

<p><b>امروز در تاریخ:</b></p> <p>✂️ صدور اعلامیه مشترک علما در تأیید مرجعیت امام خمینی(ره)(۱۳۴۲ش) ✂️ برگزاری دومین انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب محمدعلی رجایی(۱۳۶۰ش) ✂️ تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی(۱۳۶۹ش) ✂️ درگذشت احمد شاملو، شاعر، نویسنده، فرهنگ نویس، ادیب و مترجم ایرانی(۱۳۷۹ش)</p>	<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p> <p>■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵ ■ پایگاه اطلاع رسانی: <a href="http://www.jamejamonline.ir">www.jamejamonline.ir</a> ■ <a href="http://www.jamejamdaily.ir">www.jamejamdaily.ir</a> ■ پست الکترونیکی: <a href="mailto:info@jamejamdaily.ir">info@jamejamdaily.ir</a></p> <p>شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۰   ۱۳ ذی الحجه ۱۴۴۲   صفحه ۲۰   سال بیست و دوم - شماره ۵۹۹۳   استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان   Saturday - July 24 , 2021</p>	<p><b>حدیث روز:</b></p> <p>امام رضا(ع): از ما نیست آن که دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید.</p> <p><b>واحه:</b></p> <p>تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد</p> <p><b>حافظ</b></p>
<p><b>حکمت ۱۴۰:</b></p> <p>✂️ درویش نشود کسی که میانه روی کند.</p>	<p><b>وضعیت آب و هوای امروز</b></p> <p>تهران ۲۶ / ۳۸   اهواز ۳۲ / ۴۸   ایلام ۲۱ / ۳۶   بندرعباس ۳۳ / ۴۲   تبریز ۱۸ / ۳۲   زاهدان ۲۴ / ۳۹   سنندج ۲۱ / ۳۹   یزد ۲۸ / ۴۲</p>	<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۱۱   غروب آفتاب: ۲/۱۵   نیمه شب شرعی: ۰۰/۲۱   اذان صبح (فردا): ۴/۲۷   طلوع خورشید(فردا): ۶/۰۷</p>

روایت تصویری از خوزستان، شادی هایش، غم هایش و امید به آینده که هنوز در شط جریان دارد

# داستان بی آبی مردمان آبدیده

✂️ ولادیمیر مینورسکی معتقد است مردمانش از قوم خوز از یازماندگان عیلامیان هستند که در این منطقه از فلات ایران زندگی می کردند و در سنگ نوشته های ایران باستان هم می توان جملاتی را جع به این سرزمین دید و خواند. خوز در عربی معنای نیشکر می دهد که بعدا استان به آن اضافه شد. ما وقتی پسونند ستان را به چیزی اضافه می کنیم، بعضی وقت ها معنای کلمه آباد را می دهد، مثلا خوزستان یعنی جایی که نیشکر آباد کرده و به نیشکر معروف است. خوزستان شکر است. مردمش، خرمایش، عسلش و لهجه شان همه شکر است. وقتی نیمی از جهان نمی دانستند کتاب چیست، خوزستان ما دانشگاه جندی شاپوری داشته؛ دانشگاهی که نقل است خیلی از دانشجویان و اعضای هیات علمی اش در خوزستان به عراق می رفتند و پایان نامه ها و مطالب و مقالات علمی خود را از امیرالمؤمنین (ع) مشورت می گرفته اند. خوزستان در هشت سال نبرد با حزب بعث با جنگ و دندان مردانه جنگید و یک سانتی متر از خاک ایران را به دشمن نداد. خوزستان زخمی بود. هشت سال جنگیدن با همه جهان، خون زیادی از جانش مکیده بود. جنگ تمام شده بود. خوزستان باید مدناو و تیمار می شد. باید نازش را می خریدیم، قربان صدقه اش می رفتیم و می گفتیم استراحت کن. خوزستان سلحشور رعنائی بود که تا ول های جنگ، امانش را بریده و وقت استراحتش بود ولی دم گوشی عرض می کنم، نکردیم! گفتیم حالا وقت هست خودش خوب می شود. خوزستان، پاره جان ماست. نباشد، انگار در بدنمان جگر نداریم. خوزستان این روزها حالش خوش نیست. مردمش ناراحتند. نجیبانه دردمی کشند و صبوری می کنند. کمترین کاری که می توانستیم بکنیم این بود که امروز به یاد خوزستان عزیز اینچالز پجرخانیم سمت اشک ها و لیخندهایشان و خوزستان رایک ذره به دوراز گزارش های خبری رسمی و اداری ببینیم. شنبه خودتان را با قاب هایی از خوزستان عزیز آغاز کنید.



حامد عسکری

شاعر و نویسنده



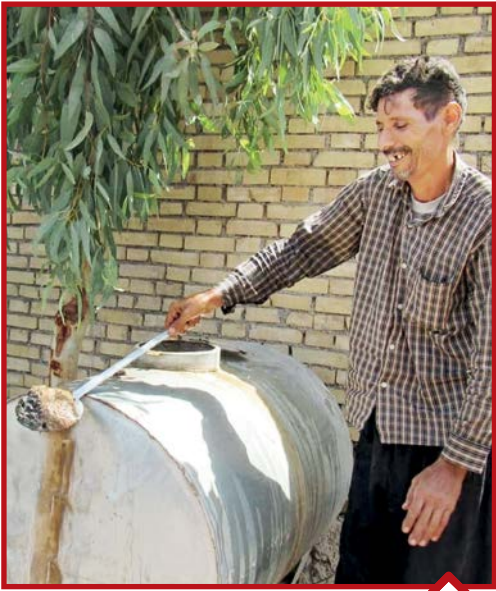
هیکل ها و رنگ موها می گوید سن و سالی ندارند. زل زده اند به رود خانه ای خالی. کودکی شان را مرور می کنند. چقدر اینجا شنا کرده اند، ماهی گرفته اند، گاو میش آورده اند چرا و حالا رود دارد خاطره می شود. / پانا



این زن، خود خوزستان است. عاقله زنی است باصلایت و استوار. نمی توانسته دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند که حالا در را بزنند و بگویند بیا آب! خودش آمده. زنی که سقااست. / تسنیم



ا...اکبر. تور را ببین که رها و رقصان در هواست و عین نقشه ایران عزیزمان شده است. مرد با طناب، تور را نگه داشته؛ ایران را نگه داشته. مرد، خوزستان است. دست هایش زخمی شده ولی ایران را نگه داشته است. مرد طناب را ول کند، ایران غرق می شود. / ایسنا



یک بیت هایی را که می خوانی، می فهمی شاعر آن مصراع را زندگی کرده. حالم از گریه گذشته است و بر آن می خنم. تو می خندی و ما باید گریه کنیم. باید قق کنیم از این خنده شرمگانه و نجیبانه. کفگیر به ته دیگ خورده آبی که در لوله باید باشد و زلال، داخل تانکر است. آن هم با این گل های ته نشین شده. تو خیلی نجیب و صبوری مرد. / پانا



شعله ای که در دوردست می سوزد، فانوس حیات ایران ماست. چراغ خانه ماست. این یعنی هنوز نفتی هست، گازی هست. این یعنی کارگران مشغول کارند و ایران چراغش روشن است. / ایسنا



دستکندهای آن طرف رود، از دوردست تاریخند. دو سپیدمو نشسته اند به اختلاط. سال ها پیش شاید همین جامی چنگیده اند. زوجی جوان، بساط کرده اند و عصرانه چیده اند که از خنکای رود لذت ببرند. چندتا فندق دارند داخل آب، بازی می کنند. آب، زندگی ساز است. خاطره ساز. / ایسنا

آن لوله های سمت چپ باید آب داشته باشد. گاو میش ها باید روزی ۱۲ ساعت داخل آب باشند. اگر نباشند توی آن گرما پوست شان تاول می زند، خشک می شود. ترک می خورد و می میرند. / ایسنا

شک نکن این سه تا از آب تنی برگشته اند. پیراهن سبزه، سن و سال دارتر است. شیطنت و بازی تا کرده اش نشان می دهد آن دوتا را حسابی آب داده و از دستش کفری اند. دخترک معلوم است خیلی حرص خورده که تر و فرزند نبوده. یک حس می گوید این قدر دخترک بی اعصاب بوده که نمی خواسته داخل عکس باشد. برادر کوچک تر، بقه اش را گرفته و در قاب نگهش داشته است.



پیراهن آژرآنتین، آژرآنتینی که قطب فوتبال است بر تن یک نوجوان خوزستانی. استانی که غیر از نفت و خرما، فوتبالیست هم صادر می کند. لیخندشان را نگاه کن. با حداقل ها می تواند بسازد، ببالد. بشود عابدزاده، آل نعمه، مرفاوی، آل کثیر. می تواند بشود ایمان مبعلی. خوزستان حداقل ها را داشته باشد، شیربچه هایش گلیم شان را از آب بیرون می کشند.



عکاس دوربین به دست را که دیده، شاید اول شرم جنوبی اش نگذاشته چیزی بگوید. احتمالا چندفریم چیلیک چیلیک عکاس را از رود که دیده، گفته «مو پشتک وارو می زنوم برات که تو عمرت ندیده باشی. می خوای یه دونه بزنوم عکس بگیر یبری تهران نشون بدی به رفیقات؟» عکاس گفته بزن. عکاس تا قاب دستش بیاید و سرعت شاتر را تنظیم کند، پسرک چهارپنج تایی زده و هربار تلاش کرده که بهتر شود. من شک ندارم پسرک، غروب که رفته خانه گفته «ننه مو پای شط قوس می خوردم، یه عکاس تهرانی عکسمو انداخت. ننه مو معروف شدم. عکسوم میره کل روزنومه های ایران.» ننه! راست می گفت پسرتر. ما عکسشو با افتخار چاپ کردیم. / ایسنا



اقتصادمان نفتی است. نفتمان زیرخاک خوزستان است. خوزستان ۴۰سال است خرج می شود تا ما سیر بمانیم. به قول سعید، خوزستان ۴۰سال است همه میزا حساب کرده و قشنگ نیست که حالا لنگ آب باشد. خوزستان که آباد باشد، هرچه داشته باشد به همه تعارف می کند. درست عین این عکس. خوزستانی ها تک خور نیستند. / ایسنا

نقطه کانونی عکس، سه تا سرتق خانی هستند که خیس خیس نشسته اند روی صخره و زل زده اند به بازی دوتا همسن و سالشان. همه آدم هایی را که در عکس می بینید، آب دورهم جمع کرده. رودخانه نجیبی که زلال و آرام، زندگی را به خانواده ها هدیه می کند. در این عکس همه با آب عکس گرفته اند، باز زندگی. / ایسنا

